

مراتب صلۀ رحم (۲)

در مبحث قبل درباره یکی از معانی صلۀ رحم و نتایج و ثمرات آن بحث شد؛ اما صلۀ رحم معانی دیگری نیز دارد که باید درباره آن بحث کرد. رَحِم در اصل به معنای محل نشو و نمای جنین در شکم مادران است؛ اما به یک معنای وسیع تر، هر آنجایی که انسان در درون آن، نشو و نما بیابد، آنجا حکم رحم را دارد. خداوند، انسان و همه موجودات مادی را از دل زمین و طبیعت بیرون می آورد؛ «والله انبتکم من الأرض نباتا» (نوح / ۱۷) پس طبیعت و زمین، حکم رحم برای همه موجودات را دارند. با این معنا، هر آنچه که از زمین و از دل طبیعت روییده و تکوین یافته، به نوعی خویشاوند ما محسوب می شود و باید با آن اتصال برقرار نمود تا معنایی دیگر از صلۀ رحم تحقق پیدا کند. اصل این نوع از صلۀ رحم، ارتباط صحیح با خود طبیعت است که مادر همه موجودات است. باید احترام طبیعت را حفظ نمود و از آن نگهداری کرد. نه تنها حق نداریم به تخریب طبیعت و زمین بپردازیم، بلکه وظیفه داریم، به آبادانی آن اقدام کنیم؛ «إِسْتَعْمَرُكُمْ فِيهَا» (هود / ۶۱) خداوند از ما انتظار دارد که به آبادانی زمین بپردازیم. مطابق آیه مذکور، این یک تکلیف الهی است بر دوش ما. در قبال زمین و طبیعت، حقی داریم و تکلیفی؛ حق همه انسان ها این است که از مواهب زمین به طور عادلانه بهره مند شوند؛ این، حق همه انسان هاست؛ «وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» (الرحمن / ۱۰) همچنین تکلیف همه انسان ها این است که به تعمیر و آبادانی زمین بپردازند. همچنین همان طور که موظفیم و بر ما فرض است که مطابق فرمایش حضرت زهرا سلام الله علیها به صلۀ رحم با کسانی بپردازیم که با آنها در یک رحم مشترک هستیم، موظفیم به صلۀ رحم با کل اشیاء طبیعت بپردازیم و رابطه ای نیکو با آنها برقرار کنیم و حق آنها را ادا کنیم؛ زیرا ما و آنها از یک رحم مشترک، یعنی طبیعت، تکوین یافته ایم. به همین دلیل در آیات و روایات بر رعایت حق همه موجودات به انحاء مختلف تأکید شده است. به یک نمونه از این موارد اشاره می کنیم: در روایت آمده است: «مَنْ أَكَلَ وَ ذُو عَيْنَيْنِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ لَمْ يُؤَاسِهِ، أَبْتَلَىٰ بَدَاءٍ لَا دَوَاءَ لَهُ» هرکس در حالی که موجود دو چشمی او را نگاه می کند، چیزی بخورد و آن موجود را با خود شریک نکند، به بیماری مبتلا می شود که هیچ دوايي برای آن نیست. این کار به منزله قطع رحم با آن موجود است و کسی که چنین کند دچار عوارض قطع رحم می شود. به جا آوردن حق هر موجودی، به منزله صلۀ رحم با اوست.

یکی از مصادیق چنین صلۀ رحمی، هماهنگ کردن خود با قواعد حاکم بر طبیعت است. انسانی که خود را با این قوانین تنظیم کند، دارای یک سیستم درونی تنظیم شده، خواهد بود. چنین انسانی از طراوت و نشاط بسیار خوبی برخوردار خواهد بود و عمری طولانی خواهد یافت. یکی از رازهای طول عمر امام زمان عج در همین مطلب نهفته است. به عنوان مثال، خداوند شب را برای آرامش و سکون قرار داده است؛ «جعل اللیل سکنا» اگر انسان این قاعده را رعایت کند و ابتدای شب را به سکون و آرامش بپردازد جسم و روح او تنظیم خواهد شد. اما متأسفانه امروزه به اسم پیشرفت و رشد تکنولوژی، آرامش شب از انسان سلب شده است و به همین دلیل، روز او نیز در تلاطم است.

مصادیق دیگر این است با مظاهر طبیعت، همچون خورشید و ماه و آسمان و آب و درخت و کوه و خاک، ارتباط بگیریم. ارتباط صحیح با اینها موجب سلامت جسم و روان انسان می‌گردد. به همین دلیل است که مثلاً در روایات آمده که «التراب ربیع الصبیان»^۱ خاک، بهار و تفریحگاه کودکان است. امروزه با دلایل واهی، کودک را از ارتباط با خاک، منع نموده ایم و این، یکی از مصادیق قطع رحم است؛ زیرا ما از رحم خاک به وجود آمده ایم. با ساختن ساختمان‌های بلند، دیگر آسمان را نمی‌بینیم. رنگ آرامبخش آسمان موجب تسکین روح و روان است، اما ما به قطع رحم با آن پرداخته ایم.

آب مایهٔ حیات همهٔ موجودات است، پس آب نیز به نوعی حق صلۀ رحم بر ما دارد. آب روان و جاری یکی از آرامبخش‌های روح و روان است، اما دیگر در شهرها خبری از آب روان زلال نیست؛ خبری از چشمه نیست. با درخت نیز قطع رحم نموده ایم. همچنین برای تأمین بسیاری از ضروریات روح و جسم، نیاز به نور خورشید داریم، اما دیگر خبری از این نور الهی در خانه‌های ما نیست.

نتیجهٔ این سبک زندگی این شده که انسانها رو به خمودی بروند و روح و روان آنها فرسوده شود و به همین دلیل، محتاج روانشناس و روانپزشک و قرص‌های ضد افسردگی و ... بشوند؛ حال آن که بزرگ روانشناس هستی، یعنی خداوند، نظام هستی را طوری طراحی نموده که انسان با ایجاد ارتباط مؤثر با آن بتواند به تنظیم ساختار جسم و روح خود بپردازد. اگر به صلۀ رحم با اینها بپردازیم حال ما خوب خواهد بود؛ وگرنه خیر.

^۱ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۸